

اخلاق جنگ از دیدگاه امام خمینی

محمد علی قاسمی^{*۱}

فرشید دیلمقانی^۲

چکیده

در میان سه سنت عمده‌ی اخلاق جنگ، نظریه‌ی جنگ عادلانه بیش از همه مورد توجه قرار گرفته و تحقیقات در حوزه‌ها و مباحث آن، شتاب و وسعت قابل توجهی یافته است. در این مقاله، عرضه‌ی سؤالات بنیادین این حوزه بر اندیشه‌ی امام خمینی(ره) و بازسازی آرای ایشان در این زمینه است. لذا پس از مرور سنت‌های مزبور و با ارائه‌ی قرائتی مبتنی بر روش درون فہمی از آثار و بیانات امام خمینی(ره)، استدلال خواهد شد که آراء ایشان در خصوص اخلاق جنگ با سنت جنگ عادلانه شباهت بیشتری دارد؛ این تشابه در مباحث مربوط به آغاز جنگ (دلایل عادلانه، نیت صحیح، مراجع ذی صلاح تصمیم‌گیری، جنگ به عنوان آخرین حربه) و حین جنگ (تفکیک و تمیز افراد دخیل در جنگ و بی‌گناهان) و خاتمه‌ی جنگ (رعایت حقوق مردم دولت شکست خورده، مجازات متجاوزین و خاطیان، تأسیس حکومت مردمی و پایان دادن به اشغال‌گری) مشاهده می‌شود. ولی رویکرد نیت‌مدار، فضیلت‌محور و تکلیف‌مدار امام خمینی(ره) در حوزه‌ی اخلاق باعث شده تا آرای ایشان با قواعد و اصول نتیجه‌مدار متفکران سنت جنگ عادلانه در حوزه‌هایی نظیر تناسب (سنجش سود و زیان ورود به جنگ)، شرط احتمال موفقیت (در صورت مبادرت به جنگ) و تأثیر دوگانه‌ی جنگ (سنجش میزان تلفات از میان افراد بی‌گناه نسبت به دستاوردهای حملات) مابینت داشته باشد. البته شباهت‌ها و توازی‌های آرای امام خمینی(ره) با سنت مزبور، لزوماً از شباهت محتوایی و مبنایی حکایت نمی‌کند و حداقل قسمتی از آن به منابع مشترک آرای امام و سنت مذکور برمی‌گردد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق جنگ، امام خمینی، جنگ عادلانه، جهاد.

Email: m.qasemi@basu.ac.ir

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بوعلی سینا همدان

(نویسنده مسئول)

Email: dilmaqanif@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی دانشگاه بین‌المللی

امام رضا

مقدمه

مبحث اخلاق جنگ از موضوعات نسبتاً جدید در حوزه‌ی علم اخلاق و حوزه‌های مرتبط، نظیر علوم سیاسی و مباحث استراتژیک به حساب می‌آید. با این حال رگه‌ها و توصیفاتی از مباحث مهم این حوزه را، در آثار فلاسفه و متفکران اعصار قبل نیز می‌توان یافت. به وجهی که برای مثال نوعاً نظریه‌ی جنگ عادلانه را در زمره‌ی آراء آگوستینوس قدیس محسوب داشته و بعضی از مباحث اخلاق جنگ را در یونان هم شناسایی کرده‌اند.

در خصوص نگرش اسلام به جنگ و تلقی اخلاقی اسلام جنگ هم تحقیقات زیادی منتشر شده است (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۲؛ واحد جوان، ۱۳۹۰)، تحقیقاتی که در خصوص اخلاق جنگ از دیدگاه اسلام بوده‌اند، عمدتاً بر قواعد فقهی و تفسیر آیات قرآنی مربوط به جنگ و جهاد و نگاه اسلام به صلح و جنگ عادلانه مبتنی بوده است (حاج اسماعیلی و حبیب‌اللهی، ۱۳۹۱). با آنکه در خصوص آراء امام خمینی (ره) در باب فلسفه جنگ آثار و پژوهش‌های منتشر شده است، اما تحقیق مستقلی درباره اخلاق جنگ از دیدگاه ایشان وجود ندارد و یا در دسترس پژوهشگران قرار نگرفته است. در این مقاله برآنیم که پس از مروری مختصر بر حوزه اخلاق جنگ، دیدگاه امام خمینی (ره) را در آن باب، بازسازی و ارائه کنیم.

نظریه‌های اخلاق جنگ

در خصوص اخلاق جنگ ۳ دیدگاه کلان وجود دارد:

۱. رئالیسم رایج‌ترین و پرنفوذترین تئوری و دکترین در خصوص روابط بین‌الملل و جنگ در میان علمای علوم سیاسی و سیاستمداران است. پرداختن به رئالیسم و مفروضات و ایده‌های بنیادین آن در عرصه بین‌المللی از حوصله این مقال خارج است و صرفاً اشاره می‌شود که تبیین‌ها و روایت‌های نسبتاً متفاوتی از رئالیسم وجود دارد. اما در کانون توجه نظریه رئالیسم، تردید و شکاکیت نسبت به امکان اطلاق مفاهیم اخلاقی به عرصه روابط بین‌الملل قرار دارد. رئالیست‌ها استفاده از مضامین اخلاقی را در عرصه‌ی بین‌المللی، چه به صورت توصیف و چه به صورت تجویز، قابل قبول نمی‌دانند (Orend, 2005). متفکران رئالیست، به دلیل تأکید بر ماهیت آنارشیک عرصه بین‌المللی - امری که اقتضای آن افزایش قدرت برای تضمین امنیت و بقا است - جنگ را برخاسته از سرشت نظام بین‌الملل می‌دانند. از آنجا که جنگ با بقای دولت و منافع حیاتی آن ارتباط دارد، توسل به هر وسیله‌ای برای پیروزی در آن مجاز و مقبول است. زیرا در فضای جنگ، اگر دولتی خود را محدود و پای‌بند حقوق بین‌الملل و قواعد اخلاقی متعارف و عدالت در جنگ و نظایر آن کند، با مشکلات اساسی و در نهایت شکست مواجه خواهد شد. برخی محققان بین رئالیسم توصیفی و رئالیسم تجویزی قائل به تفکیک شده‌اند؛ رئالیست‌های توصیفی مدعی‌اند که دولت‌ها یا نمی‌توانند اخلاقی عمل کنند و یا آنکه در عمل اخلاقی رفتار نمی‌کنند. دلیل بی‌میلی به اصول اخلاقی و عدم توسل به آنها می‌تواند فضای خشن و بی‌رحمانه جنگ باشد. از دیدگاه این قبیل رئالیست‌ها، مواظب اخلاقی و دعوت به رفتار اخلاقی در جنگ ناشی از برداشت نادرست است (Estrella, 2012: 69). زیرا

دولت‌ها موجودات انسانی یا مشابه انسان نیستند و از جنس دیگری هستند. لذا اطلاق قواعد اخلاقی حاکم بر روابط انسانی به عرصه بین‌المللی و بین دولت‌ها، خطایی روشی خواهد بود. اخلاق و اخلاق جنگ، از دیدگاه این دسته از رئالیست‌ها، امری تجملی و تزئینی است که در عمل کاربردی در جنگ ندارد.

رئالیسم تجویزی هم مدعی است که دولت باید در عرصه بین‌المللی بدون توجه به قواعد اخلاقی عمل کند. به زعم این دسته از رئالیست‌ها، دولت‌های محتاط باید که قواعد اخلاقی را برای داخل کشور نگه دارند. زیرا در غیر این صورت ممکن است، مورد سوء استفاده دولت‌های دیگر قرار گیرند. البته این قبیل رئالیست‌ها مخالف پای‌بندی به بعضی از قواعد اخلاقی نیستند. اما استدلال آنان بیشتر مربوط به سودمندی این قواعد برای منافع دولت است و نه ارزش اخلاقی این احکام.

۲. پاسیفیسم: با آنکه محققان رئالیست به سهولت، پاسیفیسم را دیدگاهی خوش‌بینانه و ساده‌اندیشانه دانسته و رد می‌کنند، باید گفت که پاسیفیسم امروزه طیف وسیعی از اندیشه‌های معطوف به حفظ صلح و مخالفت با جنگ را شامل می‌شود که از عدم توسل به خشونت در همه اعمال تا پاسیفیسم حداقلی را شامل می‌شود. در برداشت پاسیفیست‌ها، صلح فقط فقدان جنگ نیست و آنان با توجه به ایده‌ی «خشونت ساختاری» و «صلح مثبت» که یوهان گالتونگ، مطرح کرده بود، صلح را مشتمل بر روابط توأم با آرامش، همکاری، هماهنگی و توجه به شکوفایی استعدادهای همه انبای بشر می‌دانند (Orend, 2005; Estrella, 2012: 70). بنابراین، حداقل برخی از روایت‌ها و انواع پاسیفیسم، دارای فلسفه سیاسی، اجتماعی و معنوی‌اند. در میان طیف وسیعی از جریان‌های پاسیفیستی، عنصر مشترک، ایده عمومی غیراخلاقی دانستن جنگ و خشونت است. پاسیفیسم مطلق به طرد و رد همه انواع خشونت و جنگ قائل است. زیرا این پاسیفیست‌ها به اطلاق قواعد اخلاقی معتقدند و لذا گاه دچار تناقضاتی هم می‌شود (مثلاً آیا می‌توان با توسل به خشونت مانع نقض حقوق انسان‌ها شد یا نه؟). پاسیفیسم اقتضایی^۱ استثنایی برای کلیت نفی جنگ و خشونت قائل می‌شود (نظیر مقاومت در برابر تجاوز و جنگ). محققان بین پاسیفیسم حداقلی و حداکثری هم قائل به تفکیک شده‌اند؛ پاسیفیست‌های حداکثری هر نوع جان ستاندن را محکوم می‌کنند (اعدام، سقط جنین و ...). پاسیفیست‌های حداقلی، بین مجرم و بی‌گناه قائل به تفکیک می‌شوند. همچنین برخلاف پاسیفیست‌های ارزش‌محور^۲ توجیهات مطلق و کلی برای نفی جنگ می‌آورند. پاسیفیست‌های نتیجه‌محور^۳ نگرشی سودگرایانه به منع جنگ دارند و معتقدند که تاریخ نشان داده است، جنگ‌ها بیش از آنکه سود و خوشبختی به ارمغان آورند، موجب ضرر و زیان شده‌اند. لذا از این دیدگاه، بُعد اخلاقی کمتر مورد توجه بوده و تمرکز اصلی بر انتقاد از صرف منابع و ذخایر در جنگ و لذا عدم تکافوی آنها برای ایجاد، رفاه، آموزش و نجات انسان‌هاست. پاسیفیست‌های ارزش‌محور که بیشتر موضعی کانتی دارند، معتقدند که جنگ با انسان‌ها همچون ابزار برخورد می‌کند (و نه هدف) و این امر با اصل دوم امر

1. Contingent
2. deontological
3. Consequentialist

مطلق اخلاقی کانت در تعارض قرار می‌گیرد (Fiala, 2014). در هر صورت امروزه نمی‌توان پاسیفیسم را دیدگاهی خام و ایده‌آلیستی صرف دانست. زیرا این جریان و طیف‌های متنوع آن از منابع فکری و سنت‌های شرقی و غربی (مسیحیت و کتب مقدس آن، آهیمسای هندوئیسم، تائوئیسم چینی و ...) سود و بهره می‌برند و در پی ترویج نگرش کاملی به زندگی بشری و حیات انسانی است.

۳. دیدگاه جنگ عادلانه: از پرنفوذترین و پرطرفدارترین تئوری‌های مربوط به اخلاق و جنگ نظریه جنگ عادلانه است. عموماً محققان به ریشه‌های یهودی (Solomon, 2005: 296-7) و مسیحی این نظریه از جمله در آراء سنت آگوستین، توماس آکویناس و پرورش آن در اندیشه حقوقدانان قرن هفدهم و هجدهم اشاره می‌کنند (Lazar and Frowe, 2017: 6-7; Williams and Caldwell, 2006: 311). در دوران معاصر مهمترین فیلسوف و متفکری که جانی دوباره در کالبد نظریه دمیده، مایکل والزر است که با انتشار کتابی با نام *جنگ‌های عادلانه و ناعادلانه*، به طرح سیستماتیک نظریه مزبور اقدام کرده است (Walzer, 2006).

محققان جنگ عادلانه را به سه مبحث تقسیم می‌کنند (Lazar and Frowe, 2017): ۱. قواعد توسل به جنگ^۱، ۲. قواعد جریان جنگ^۲، ۳. قواعد بعد از جنگ/ختم جنگ^۳.

الف) قواعد توسل به جنگ: دستور آغاز جنگ معمولاً از طرف مقامات و سران کشورها صادر می‌شود. تئوری جنگ عادلانه معتقد است که برای توسل به جنگ باید حداقل شش شرط رعایت شود:

۱. **علت / دلیل عادلانه:** وجود دلیل محکمه پسند برای آغاز جنگ شرط مهم و عمده‌ای است. محققان ادله‌ای نظیر دفاع در مقابل تجاوز، حراست از انسان‌های معصوم در مقابل متجاوزین و تنبیه متخلفین را از این دلایل دانسته‌اند. مایکل والزر، تنها دلیل عادلانه را دفاع در مقابل تجاوز و هجوم می‌داند (Ibid: 62). دولت‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل، دارای حق حاکمیت ملی و حق حفظ تمامیت ارضی محسوب می‌شوند. و علی‌القاعده نقض آن حقوق، حق دفاع از خود به دولت می‌دهد. در سنت لیبرالی تصور بر این است که دولت‌ها به دلیل رعایت حقوق مردم خودشان محترم‌اند و لذا حکومتی از حقوق مذکور در بالا برخوردار است که مشروع باشد. بحث مشروعیت رژیم‌های سیاسی موضوعی بحث‌انگیز است. در خصوص توسل به‌جای قبل از تجاوز هم اختلاف نظرهای وجود دارد. برخی توسل به جنگ قبل از آغاز تجاوز را بی‌معنا می‌دانند. مایکل والزر حالت‌های استثنایی را با توجه به شدت حملات احتمالی و یا نوع و کیفیت شواهد و قرائن حمله قابل طرح می‌داند (Ibid:81). البته دشواری کار در این است که اقدام پیش‌دستانه خود تجاوز محسوب می‌شود.

-
1. Jus ad bellum
 2. Jus in bello
 3. Jus post bellum

۲. **تیت صحیح:** انگیزه جنگیدن هم مهم است. به عبارت دیگر تصرف سرزمین‌های دیگران، غصب اموال و کسب غنایم، انتقام‌جویی و پاکسازی نژادی و قومی و یا نفرت قومی از اغراض و اهداف نامشروع محسوب می‌شود. لذا فقط تیت صحیح موجود در آغاز جنگ باید محفوظ بماند و تعقیب شود.

۳. **مراجع ذی صلاح:** اتخاذ تصمیم به آغاز جنگ باید توسط مراجع صاحب صلاحیت و براساس روال مشروع صورت گرفته و به مردم و جامعه بین‌المللی اعلام گردد. مراجع ذی‌صلاح همان مقامات مشروع و قانونی دولت‌اند.

۴. **آخرین حربه:** توسل به جنگ زمانی مشروع خواهد بود که همه راه‌های صلح‌آمیز و غیرجنگی به کار گرفته شده باشند از جمله مذاکرات و هشدارهای رسمی.

۵. **امکان موفقیت:** اگر دولتی بداند که توسل به جنگ تأثیر مهمی بر روند موجود نخواهد داشت، مبادرتش به جنگ مشروع نخواهد بود. چنین قاعده‌ای در حقوق بین‌الملل پیش‌بینی نشده و به نظر می‌رسد که به زیان کشورهای ضعیف باشد.

۶. **اصل تناسب:** یک دولت باید قبل از مبادرت به جنگ، هزینه‌ها و زیان‌های این کار (تلفات انسانی و مالی و...) را با سود احتمالی آن بسنجد و اگر نفع و فایده‌ی آن بچربد می‌تواند، بدان متوسل گردد.

ب) حقوق/قواعد جنگ: قواعد اخلاقی نبرد در نظریه جنگ عادلانه حاوی سه عنصر است:

۱. **تفکیک و تمییز:** از آنجا که قتل انسان‌های بی‌گناه یا آسیب زدن به آنها منع اخلاقی مهمی محسوب می‌شود، باید بین افرادی که در جنگ دخیل‌اند و آنان که دخالتی در جنگ ندارند و غیرنظامی و یا بی‌گناه محسوب می‌شوند، تفکیک قائل شد. ایده عدم حمله به غیرجنگجویان در اعصار متقدم هم وجود داشته است و اصل اخلاقی عام و جهان شمول محسوب می‌شود. امروزه کودکان، پیران و پزشکان و پرستاران نمونه‌های بارز افراد مصون از حملات محسوب می‌شوند. گرچه در جزئیات و تفکیک افراد دیگر نظیر کارمندان دولت، اختلاف نظرهایی وجود دارد.

۲. **تأثیر دوگانه:** در جنگ به صورت ناخواسته افراد غیردخیل هم آسیب دیده، مجروح شده و یا کشته می‌شوند. این امر تا حدودی قابل قبول است زیرا که اثر جانبی و ناخواسته جنگ است. این نکته، البته بحث‌انگیز است و بالقوه می‌تواند موجب توجیه بسیاری از اقدامات فاجعه‌آمیز (نظیر حملات اتمی) باشد.

۳. **تناسب:** همانند ایده‌ی تناسب در بحث از آغاز جنگ، در اینجا هم باید هر اقدام حرکتی به محک تناسب زده شود تا معلوم گردد که آیا شرور و زیان‌های آن غالب و بیشتر است یا کفه‌ی دستاوردها و منافع سنگینی می‌کند؟ طبعاً اقدامات و عملیات‌هایی که زیان و شرشان بیشتر است، ممنوع و غیراخلاقی محسوب خواهند شد.

ج) قواعد حاکم بر خاتمه جنگ: در این زمینه محققان نظرات متنوع و گوناگونی ارائه کرده‌اند که در مجموع می‌توان اصول اخلاقی زیر را از آن جمله برشمرد؛ به‌زعم برخی محققان دست‌کم یک اصل بنیادین وجود دارد و آن لزوم مراعات حقوق انسانی و حقوق بشر برای همه طرف‌های مناقشه است

(Williams and Caldwell, 2006: 317; O'Meara, 2011). از این اصل و قواعد دیگری هم استنباط و استخراج می‌شود؛ نظیر قاعده بازگشت به وضع قبل از شروع جنگ^۱، و احترام به حقوق قربانیان تجاوز و تخطی. همچنین حقوق افراد حاضر/شهروند در دولت‌های مهاجم و متخاصم باید مراعات شده، افرادی که مرتکب نقض حقوق انسانی شده‌اند (از جمله مرتکبان جرایم علیه صلح جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت) باید مجازات شوند. وظیفه دولت پیروز، برقراری نظم و امنیت بازسازی یا کمک به بازسازی اقتصادی و اعاده حاکمیت مردم و احترام به حق تعیین سرنوشت است. طبعاً اشغال مخالف این اصل است و نکته آخر آنکه باید جرائم احتمالی حین وقوع جنگ نیز مورد مجازات و تعقیب قرار بگیرند (Ibid:318). مایکل والزر، اندکی پس از مداخله آمریکا در عراق خطوط کلی مشابهی را برای ختم جنگ عادلانه برشمرد؛ به‌زعم وی نظریه سیاسی دموکراتیک، بنیان و اصول اساسی عدالت بعد از جنگ را مشخص می‌کند. این اصول را می‌توان «تعیین سرنوشت، مشروعیت مردمی، حقوق مدنی و ایده‌ی خیر عمومی» دانست. به‌زعم والزر، درست آن است که جنگ‌ها با استقرار حکومت‌های مردمی در دولت‌های شکست خورده پایان یابد (Stahn, 2008:126; Walzer, 2004; Bellamy, 2008). به هر صورت بحث‌های مربوط به حقوق و اخلاق جنگ در سنت و تفکر جنگ عادلانه، در حال گسترش، زنده و متحول بوده و هر روز کتب و مقالات جدیدی در این بار منتشر می‌شود. با این حال آنچه در بالا آمد می‌تواند خلاصه و شمایی از مباحث اصلی مطروحه در این حوزه باشد.

امام خمینی و اخلاق جنگ

اگر آراء موجود در سنت‌های مربوط به اخلاق جنگ را بر اندیشه و مبانی فکر امام خمینی(ره) عرضه کنیم، می‌توانیم نتیجه بگیریم که آرای امام، به جریان جنگ عادلانه نزدیک‌تر است. البته پیش‌تر هم محققان تلاش داشتند تا نشان دهند که سنت و فقه اسلامی مستقل از آراء و تفکرات غربی خود، نوعی جنگ عادلانه مطرح ساخته و جهاد را دارای مشترکات بسیار با این سنت محسوب داشته‌اند (Legenhausen, 2008: 3). اما در اینجا تمرکز ما بر اندیشه و آراء امام خمینی(ره) خواهد بود.

ناسازگاری آرای امام خمینی(ره) با سنت رئالیستی واضح و آشکار است؛ زیرا اندیشه‌های امام در باب جنگ رگه‌های آشکار اخلاقی و عرفانی دارد:

«باید انسان تمام امیال خودش را فدای میل اسلام، حکم و احکام اسلام بکند. همان‌طور که شما و همه‌ی رزمندگان ما، واقعا یک چهره‌هایی هستند که انسان از خودش خجالت می‌کشد که با آنها مواجه بشود. کسانی که جان خودشان را، که سرمایه‌ی همه چیز است برای انسان، این را فدا دارند می‌کنند برای اسلام» (صحیفه امام، ج ۱۶: ۱۷۴).

و البته امام خمینی(ره) به هیچ وجه، هر کاری را برای پیروزی در جنگ مجاز و مشروع نمی‌داند. می‌دانیم که امام خمینی(ره) منشأ عموم جنگ‌ها را، نفسانیات و امیال حیوانی و زیاده‌طلبی انسان‌ها می‌دانستند: «تمام این جنگ‌ها و تمام این نزاع‌هایی که در عالم واقع می‌شود چه در عائله واقع بشود یا در همه عالم، آن هم یک عائله است، تمام اینها از همین سرکشی نفس است» (صحیفه امام، ج ۲: ۸۶؛ قاسمی، ۱۳۹۲: ۷-۹۶). لذا مشاهده می‌شود که امام خمینی(ره) اغلب جنگ‌ها را مذموم و باطل می‌داند چه رسد به اینکه توسل به آنها یا هر عملی را در آنها مجاز بشمارند.

دیدگاه پاسیفیستی و بالاخص روایت‌های مطلق و حداکثری آن، از نظر امام خمینی(ره) نمی‌تواند مقبول باشد. زیرا امام به صراحت، جنگ، شهادت و دفاع را واجب می‌دانسته و حتی قائل به این بوده‌اند که انبیا هم اگر قیام نمی‌کردند و به جهاد متوسل نمی‌شدند و صرفاً به موعظه و مسأله‌گویی، می‌پرداختند، رسالت خویش را نمی‌توانستند به انجام برسانند (صحیفه امام، ج ۱۵: ۶-۲۱۵؛ خسروی، ۱۳۹۶: ۴-۳۶۳). اما قبل از ورود به مبحث توازی‌ها و تفاوت‌های دیدگاه‌های اخلاقی امام خمینی(ره) با نظریه جنگ عادلانه، اشاره به چند نکته مقدماتی ضروری است:

اولاً امام خمینی(ره) عالم اسلامی ذوجوه و متضلع بوده‌اند که در حوزه‌های فقه، فلسفه، عرفان و اخلاق صاحب صلاحیت و مقبولیت در سطوح عالی محسوب می‌شدند. بنابراین اندیشه اسلامی و بالاخص فقاقت پس‌زمینه مسکوت^۱ امام خمینی(ره) محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، امام خمینی(ره) مبانی و اصول اسلامی بنیادین و کلی را مفروض و مسلم گرفته‌اند و لذا در همه آثار و گفتارشان لزومی به ذکر آنها ندیده و متذکرشان نشده‌اند. برای مثال ایشان در مواضع متعددی متذکر شده‌اند که ضمن قائل بودن به فقه پویا و تأثیر عنصر زمان و مکان در اجتهاد «معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری» بوده‌اند و تخلف از آن را جایز نمی‌دانستند (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۸۹). منظور از این بیان آن است که در صورت مسکوت ماندن احتمالی وجوهی از مباحث می‌توان آنها را با توجه به اندیشه اسلامی و آثار موجود امام خمینی(ره) بازسازی و تکمیل کرد.

نکته‌ی دوم آنکه در آثار و آرای امام خمینی(ره) دو مفهوم جنگ و جهاد وجود دارد. گرچه امروزه، به ویژه در غرب و تحت تأثیر اقدامات جریان‌های سلفی و تکفیری و با ترجمه جهاد به جنگ مقدس^۲، این دو مترادف تلقی شده‌اند، اما در آرای امام خمینی(ره) این دو را با دقت نسبی می‌توان تفکیک کرد. از دیدگاه امام خمینی(ره) جهاد جنگی است که با هدف مقدس و الهی صورت می‌گیرد و اگرچه صورت ظاهر آن به جنگ شبیه است، اما چون انگیزه و غایات آن متفاوت است، تمایز اساسی و جوهری بین جهاد و جنگ‌های معمول وجود دارد: «اما آنچه که ممتاز می‌کند این دو عمل را از هم،... عبارت از غایات اعمال است، انگیزه‌های اعمال است. اگر شمشیر برای خدا بلند بشود و برای خدا پایین بیاید، این انگیزه، انگیزه‌ی الهی است. ارزشمند است؛ اگر برای شیطان باشد، این ابلیس است و ارزشمند نیست» (صحیفه

1. Silent Background
2. Holy War

امام، ج ۲۰: ۶۳). در جنگ‌های معمولی انگیزه‌های بشری، نفسانی و شیطانی غالب است (خسروی، ۱۳۹۶: قاسمی، ۱۳۹۲). و از همین روست که پیروزی نهایی را هم، از میان بردن طواغیت نمی‌دانند. بلکه متبدل شدن انسان به موجودی انسانی، الهی و اسلامی محسوب می‌دارند که در آن صورت همه کارهایمان، عقایدمان، اخلاقمان اسلامی می‌شود (جمشیدی، ۱۳۸۲: ۱۴). به نظر می‌رسد که امام خمینی (ره) گاهی بین جهاد و دفاع قائل به تفکیک می‌شوند: «*لهذا حال دفاع فرق دارد با حال جهاد، حال جهاد شرایط دارد، حال دفاع شرطی ندارد، باید دفاع بکنند. حتی یک پیرمردی هم که خیلی کار از او نمی‌آید باید شرکت کند در دفاع، آن قدر که می‌تواند دفاع کند*» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۴۴). اما از کلیت مباحث امام استنباط می‌شود که دفاع نوع خاصی از جهاد (= جهاد دفاعی/تدافعی) است: بنابراین در یک بیان کلی می‌توان گفت که به عقیده امام جنگ به دو شکل جهاد و جنگ نفسانی - شیطانی است و جهاد خود دو صورت دفاعی و ابتدایی دارد (قاسمی، ۱۳۹۲: ۹۳).

ثالثاً از آنجا که از دیدگاه امام خمینی (ره) منشأ اصلی جنگ و نزاع حبّ نفس، حبّ شهوت و حبّ ریاست است (همان: ۹۸)، جهاد اصلی مبارزه با همین انگیزه‌های بنیادین خواهد بود و جهاد اصغر، به یک اعتبار، تداوم جهاد اکبر در عالم کبیر است. یعنی مبارزه‌ای دائمی با نفسانیات و شیاطین وجود دارد که از باطن انسان آغاز می‌شود و به کلیت عالم خارج امتداد می‌یابد. دشواری جهاد اکبر در آن است که تشخیص انگیزه‌ها و غایات به سهولت و سادگی میسر نمی‌شود.

امام خمینی نظریه جنگ عادلانه

اگر اصول و محورهای نظریه جنگ عادلانه را بر آراء امام خمینی (ره) عرضه کنیم، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را خواهیم دید. بحث تفصیلی از علل و دلایل این شباهت‌ها و تفاوت‌ها و مجال وسیع و مجزایی می‌طلبید و در اینجا صرفاً اشاره می‌شود که حتی در موارد وجود شباهت‌ها در اصول و قواعد مطروحه هم، مبانی و مفروضات امام معمولاً متفاوت از آراء شارحان و تئوریسین‌های جنگ عادلانه است؛ زیرا آنان یا از سنت لیبرال غربی برخاسته‌اند و یا از سنت‌های متنوع غربی و شرقی تغذیه می‌کنند و طبعاً تمایلات سکولاریستی در آنها حاکم است. حال آنکه امام خمینی (ره) به‌عنوان فقیه و عالمی دینی، اصول بنیادین مذهبی خویش را ملاک قرار می‌دهند و ادله و مبانی خویش را از آنجا استنباط و اخذ می‌کنند. به این نکته در انتها با تفصیل بیشتر پرداخته خواهد شد.

۱. اخلاق آغاز جنگ از دیدگاه امام خمینی

از دیدگاه امام خمینی (ره) جنگ فی‌نفسه امری مطلوب نیست و هدف از بعثت انبیا هم جنگ نبوده است: «اسلام نیامده است که جنگ بکند. اسلام نیامده که کشورگیری کند. نیامده فتح بکند. اسلام و سایر ادیان حقه آمده‌اند که مردم را از این خسران بیرون کنند و وارد کنند در حصار ایمان» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۴۲۴).

جهاد ابتدایی یعنی اقدام مسلحانه برای دعوت به اسلام از دیدگاه امام خمینی(ره) خاص معصوم است؛ زیرا ایشان در کتاب تحریر الوسیله (۱۳۹۲: ۵۴۷)، فقها را در اجرای سیاسات و سایر شئون امامت، قائم مقام امام غایب می‌دانند. ولی ابتدا کردن به جهاد را مخصوص امام معصوم محسوب می‌دارند. بنابر اعتقادات شیعه، امام معصوم به واسطه علم لدنی که دارد، می‌تواند تصمیماتی را اتخاذ کند که در آنها منافع عموم بشریت محفوظ بماند. و البته اینک که دسترسی به امام معصوم وجود ندارد بحث از جهاد ابتدایی هم موضوعیت چندانی نخواهد داشت.

در خصوص دفاع و جهاد دفاعی آرا و نظرات فراوانی از امام خمینی(ره) در اختیار داریم. به‌ویژه به واسطه هدایت جنگ تحمیلی هشت ساله، ایشان در مناسبت‌های مختلف دیدگاه‌ها و تحلیل‌هایشان را از دفاع/جهاد دفاعی ارائه کرده‌اند. در این آراء مشاهده می‌شود که امام خمینی(ره)، ضمن آنکه اصالت را به صلح و آرامش می‌دهند، اما در شرایط تحمیل جنگ، جنگیدن را وظیفه می‌دانند: «اسلام/اجازه نمی‌دهد که ما تعدی کنیم به یک کشوری، لکن فرموده است که اگر به شما تعدی کردند، بزنید تو دهنشان» (صحیفه امام، ج ۱۵: ۱۱۸). دفاع مد نظر امام خمینی(ره) دفاع مشروع است که در چهارچوب دفع تجاوز، حفظ تمامیت ارضی و تنبیه متجاوز و جبران خسارت صورت می‌گیرد (جعفری، ۱۳۹۲). محققان هم منظور امام خمینی(ره) از دفاع را با دفاع مشروع که از مضامین اصول و اصول مقبول در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود، مقایسه کرده‌اند (جعفری، ۱۳۹۲؛ استیری، ۱۳۹۲؛ فصیحی، ۱۳۹۲؛ محمودی، ۱۳۹۲).

امام در مناسبت‌ها و آثار مختلف‌شان اشاره کرده‌اند که دفاع واجب بوده و محتاج اذن حاکم شرع هم نیست: «گر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن وجود نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان، دفاع از آن به هر وسیله‌ای که امکان داشته باشد؛ از بذل جان و مال و در این امر احتیاج به هم اذن حاکم شرع نیست» (رساله توضیح المسائل، مسئله ۲۸۲۶). مسأله‌ی دفاع ابعاد و وجوه متنوعی دارد (دفاع از سرزمین، ناموس و خانواده و اموال) که در اینجا مجال بحث از آنها نیست. اما باید اشاره شود که از دیدگاه امام خمینی(ره) یکی از علل مهم آغاز جنگ، مقابله با ظالمین است؛ فی‌الواقع مفهوم دفاع (مشروع) را می‌توان، به یک اعتبار، ذیل موضوع مقابله و مبارزه با ظالمین گنجانند. زیرا تجاوزگری و هجوم و تهدید اموال و جان و سرزمین دیگران، مصداق کامل ظلم محسوب می‌شود. وظیفه انبیاء، ائمه و کل مسلمین مقابله با ظلم و ستمگری است: «عالم پر از ظلم است، ما بتوانیم جلوی ظلم را بگیریم، باید بگیریم؛ تکلیف‌مان است. ضرورت اسلام و قرآن است» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۷).

بنابراین از دیدگاه امام خمینی(ره) ظلم و تجاوز محسوب می‌شود و مقابله با تجاوز که عبارت از دفاع باشد، مجاز بلکه واجب است. یکی از اصول بنیادین در این زمینه، از دیدگاه امام خمینی(ره)، قاعده‌ی فقهی «الاسهل فلالسهل» است که بر آن اساس، فرد مکلف است از مراتب پایین‌تر دفاع به مراتب شدیدتر برسد و فی‌المثل اگر با اخطار دفع آن ممکن باشد، به همان اکتفا کند و گرنه در صورت لزوم به ایجاد جراحت و حتی قتل هم می‌تواند ختم شود (ترجمه تحریر الوسیله، ج ۱: ۵۵۲-۳؛ فصیحی، ۱۳۹۶: ۳۰۴).

مشاهده می‌شود که امام خمینی(ره) در اصل دفاع را توجیه و دلیل اصلی جنگ محسوب می‌کنند، گرچه برداشت ایشان از دفاع ممکن است قدری موسع‌تر از تفسیر بعضی از محققان سنت جنگ عادلانه باشد. اما اگر توجه شود، همان‌طور که قبلاً هم در همین مقاله اشاره شد، برخی محققان مشروعیت نظام‌ها را به عدم نقض حقوق انسان‌ها و لذا عدم ظلم منوط می‌کنند، از این حیث تفاوت بارزی بین دیدگاه امام و جنگ عادلانه باقی نمی‌ماند.

۲. در خصوص نیت آغاز جنگ نیز باید گفت که چون در سنت اسلامی اساس قضاوت در باب رفتارها و اعمال انسان‌ها، نیت آنها است و از آنجا که جهاد از دیدگاه امام خمینی(ره) در عصر غیبت معصوم، شکل دفاعی دارد، می‌توان گفت که در صورت رعایت این اصول، اشکالی در عادلانه بودن نیت جنگ باقی نمی‌ماند. نیت دفاع در مقابل تجاوز و تنبیه متجاوز، البته پسندیده و قابل دفاع است. شاید در اینجا این ابهام وجود داشته باشد که ممکن است افرادی به بهانه دفاع، ولی در واقع با نیت‌های ناحق، اقدام به جنگ کنند. اما دیدگاه فقهی امام خمینی(ره) مانع قبول چنین اقدامی است و آن را مردود می‌داند. زیرا ایشان استدلال می‌کنند که هرگاه فردی (و علی‌القاعده) دولتی نیت تجاوز داشته باشد، اما به دلیل وجود موانعی نتواند یا امکان آن را نداشته باشد که نیت خود را عملی کند، مدافع در صورت آسیب زدن به وی ضامن خواهد بود (فصیحی، ۱۳۹۶: ۳۰۴؛ ترجمه تحریرالوسیله، ج ۱: ۵۵۴).

۳. در خصوص مقامات ذی‌صلاحی که بتوانند تصمیم به جنگ را بگیرند، باید گفت که اگر مراد جهاد ابتدایی باشد، طبعاً تصمیم معصوم، بنا به فرض، بهترین تصمیم و شخص معصوم صالح‌ترین مرجع خواهد بود. اما زمانی که موضوع حالت دفاعی به خود می‌گیرد هر کسی که توان داشته باشد، باید به مقابله برخیزد و خود فرد مرجع اتخاذ تصمیم است. ممکن است در اینجا، ابهامی پیش بیاید که در صورت مجاز بودن عموم به دفاع، آناشری و هرج و مرج پدید خواهد آمد. به نظر می‌رسد که در این قبیل موارد باید بین دفاع در سطح شخصی و دفاع در سطح قلمرو سیاسی، قائل به تفکیک بود. هر فردی می‌تواند از حقوق خویش در مقابل متجاوز دفاع کند. اما در مواردی که قلمرو اسلام مورد هجوم قرار می‌گیرد، دفاع صحیح و منطقی بعد از مرحله دفاع از خویشان و خانواده، دفاع سازمان‌یافته است. بالاخص سیره‌ی عملی امام خمینی(ره) و سازماندهی نهادهایی مانند سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کمیته‌های انقلاب و بسیج مؤید این برداشت ایشان است. هشدارهای فراوان ایشان نسبت به رواج هرج و مرج و مخالفت صریح اسلام با آن نیز در راستای همین نگرش است (برای مثال ر.ک. صحیفه امام، ج ۹: ۱۱۹؛ صحیفه امام، ج ۱۰: ۲۷۵ و...). طبیعی است که این سازماندهی باید زیر نظر افراد صالح و نهایتاً حاکم شرع اسلامی باشد.

۴. اصل جنگ به‌عنوان آخرین حربه، نیز با توضیحات مطروحه در اصول قبل روشن می‌شود. امام مکرراً اشاره کرده‌اند که اسلام هوادار جنگ نبوده و جنگ راه آخر یا آخرین راه در حل مشکل است. این نکته که امام خمینی(ره)، جنگ ۸ ساله را جنگ تحمیلی می‌دانستند که طی آن نظام اسلامی، مجبور به دفاع از خودش شده است، نمونه دیگری از عدم محوریت جنگ در دیدگاه امام خمینی(ره) و اسلام است: «این‌طور نیست که ما در نظر داشته باشیم جنگ کنیم. از اول جنگی نکردیم. جنگ نمی‌خواستیم. از حالا

هم نمی‌خواهیم. بعدها هم نمی‌خواهیم اما صلحی که از جنگ بدتر است هم نمی‌خواهیم» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۱۹۸). قاعده فقهی «الاسهل فلاسهل» هم که پیش‌تر مورد اشاره قرار گرفت، این نظریه را تأیید می‌کند.

۵. امکان موفقیت از موضوعات نسبتاً غامض است. از دیدگاه اغلب فلاسفه جنگ، عنصر موفقیت و نتیجه‌بخشی دفاع مهم است. اما از آنجا که امام خمینی(ره)، بنابر نگرش دینی و عرفانی خویش، جهاد و دفاع را، نتیجه آن پیروزی و شکست باشد، حسنه بر فعل صحیح و واجب محسوب می‌دارند، تکلیف‌محوری را اساس قرار می‌دهند (جمشیدی، ۱۳۸۲) و لذا پیروزی و غلبه «ظاهری» را تنها هدف و تنها شکل موفقیت محسوب نمی‌دارند: «ما تکلیف الهی خویش را ان‌شاءالله، اداء خواهیم کرد و به احدی الحسینین نایل خواهیم شد؛ یا قطع دست خائنین از حریم اسلام و قرآن کریم و یا جوار رحمت حق جل و علا (صحیفه امام، ج ۱: ۱۸۳). اشاره شد که در سنت اخلاقی اسلام و امام خمینی(ره) نیت محوریت دارد. عدم نتیجه‌بخشی عمل در کوتاه‌مدت یا شکست ظاهری، دلیل کافی برای اجتناب از عمل به تکلیف نمی‌تواند باشد: «همه ما مأمور به ادای تکلیف و وظیفه‌ایم نه مأمور به نتیجه. اگر همه انبیاء و معصومین علیهم‌السلام، در زمان و مکان خود مکلف به نتیجه بودند، هرگز نمی‌بایست از فضای بیشتر از توانایی عمل خود، فراتر بروند و سخن بگویند...» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۸۴-۵). امام خمینی(ره) بر همین مبنا در خصوص قیام سیدالشهداء (صحیفه امام، ج ۱۰: ۳۵۱) از پیروزی ایشان علی‌رغم شکست ظاهری و شهادت‌شان و عملکرد حضرت علی(ع) در تصدی امور مسلمین علی‌رغم کارشکنی و دشواری‌های منجر به شهادت آن حضرت (صحیفه امام، ج ۱۲: ۳۵۰) قضاوت کرده و آنان را اسوه محسوب می‌دارند که باید به طریق آنان عمل کرد.

۶. مراد از اصل تناسب، سنجیدن سود و زیان جنگ است قبل از مبادرت به آن. طبعاً چنین اصلی از دیدگاه امام خمینی(ره) در خصوص جهاد دفاع ابتدایی و آغازگری جنگ قابل طرح خواهد بود. زیرا در امر دفاع ایجاد تناسب بین سود و زیان مادی، چندان منطقی نیست. همان‌طور که دیدیم از دیدگاه امام خمینی، مؤمنین مکلف به ادای وظیفه و تکلیف‌اند و عدم توفیق ظاهری/شکست ظاهری - که منجر به شهادت و فوز ابدی است - معادل شکست حقیقی نخواهد بود. لذا این اصل جنگ عادلانه نیز مانند اصل قبلی با نگرش اخلاقی امام در خصوص جنگ سازگاری ندارد.

اخلاق حین جنگ از دیدگاه امام خمینی

در خصوص اخلاق حین جنگ / اجرای جنگ سه عنصر مهم مورد نظر است:

۱. تفکیک و تمییز انسان‌های بی‌گناه از افراد دخیل در جنگ: امام خمینی(ره) بارها در اظهارات خویش یکی از دلایل کُندی پیشروی رزمندگان اسلام در مبارزه با ضدانقلاب و رژیم بعثی عراق را، رعایت مردم بی‌گناه دانسته‌اند: «لکن فرماندهان عراق از خدا بی‌خبرند. اعتقادی به این مسائل ندارند. لذا توی شهرها می‌اندازند بمب‌هایشان را ... ما دستمان بسته است از این جهت که نمی‌خواهیم مردم عادی و

مردم بی‌گناه تلف بشود و آنها دست‌شان باز است از باب اینکه اعتقاد به این چیزهایی که در اسلام مطرح است، آن چیزهایی که «انسان بما انه انسان» می‌فهمد، که چیزهایی که شرف انسان اقتضا می‌کند آنها این مسائل پیش‌شان مطرح نیست» (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۴۸). و صراحتاً زن و بچه و پیر و جوان بی‌گناه را مستثنا می‌کنند: «اسلام اجازه نمی‌دهد که ما مردم بی‌گناه را برای خاطر گناه دیگری آزار بدهیم. منتها آنها می‌گویند این مسائل را. برای اینکه وقتی یک بمب یا چند بمب می‌اندازند و یک جمعیت کثیری را، زن و بچه بی‌گناه را، پیر و جوان بی‌گناه را می‌کشند، بگویند که در ازای آن، این کار را کردیم» (صحیفه امام، ج ۷: ۱۹۰).

البته از دیدگاه امام خمینی(ره) اگر زنان یا پیر مردان و کودکانی باشند که با نیروهای دشمن همکاری کنند، آنان هم حکم مهاجمان را خواهند داشت. همچنین است موقعیتی که در آن دشمن عده‌ای از مسلمانان (زن، کودک و پیر) را سپر قرار داده باشد و مقابله با دشمن موقوف به قتل افراد مزبور باشد. در آن صورت هم، قتل آنان مشروع و مجاز خواهد بود (فصیحی، ۱۳۹۶: ۳۰۲) این قاعده فقهی را اصطلاحاً «تترس» خوانده‌اند.

۲. تأثیر دوگانه جنگ و برخی اقتضائات در مدخل قبلی هم مورد اشاره قرار گرفت. اشاره شد که قتل افرادی که سپر قرار داده شده‌اند و یا احیاناً افرادی که با دشمنان همکاری می‌کنند، از دیدگاه امام خمینی(ره) مجاز محسوب می‌شود. اما در خصوص مواردی از حملات که در آنها امکان تفکیک وجود ندارد، نظیر بمباران شهرها، به نظر می‌رسد که امام هیچگاه نظر مساعدی ابراز نکرده‌اند و بلکه برعکس حکومت صدام و رژیم بعثی عراق را به دلیل بمباران‌های تفکیک نشده‌ی شهرها و حملات شیمیایی مورد انتقاد قرار داده و رفتارشان را قساوت و درندگی محسوب داشته‌اند (صحیفه امام، ج ۲۱: ۱۲). لذا از این حیث نگرش امام محتاطانه‌تر و با ملاحظات اخلاقی سختگیرانه‌تری همراه است.

۳. تناسب در این ساحت، مراد مناسب سنجش شرور و منافع است. از دیدگاه تئوری جنگ عادلانه اگر زیان‌ها و شرور جنگ سنگینی کند، اجتناب از آن ضرورت اخلاقی خواهد داشت. در اینجا نیز به نظر می‌رسد که نگرش معنوی و غیرمادی امام خمینی(ره) ارزیابی ایشان را متفاوت کرده است. زیرا در ارزیابی‌شان فقط منافع و مضار مادی و دنیوی مراد نمی‌باشد، بلکه در زمان اقتضای تکلیف، هر یک از دو شق - یعنی احدى الحسنین - یعنی شهادت یا پیروزی در جنگ، هر دو دستاورد مطلوب محسوب می‌شود و نمی‌توان آنها را در ترازوی منافع مادی و دنیوی سنجید. اما اگر مراد از تناسب عکس‌العمل متناسب نسبت به اقدامات متجاوزانه و خصمانه باشد، دیدگاه امام خمینی(ره) در این زمینه صراحت دارد و از تناسب قویاً حمایت می‌کند: «ظاهر آن است که هرگاه بر فرض اینکه مهاجم چنین قصدی [تجاوز] داشته باشد، به خاطر شجاعت و قدرتی که مدافع دارد و یا به خاطر آنکه به نحوی دفاع برایش ممکن است، ایمن از ضرر او باشد (با صرف گمان و احتمال) دفاع جایز نیست و اگر ایمن از ضرر او نیست، دفاع دارای اشکال می‌باشد» (فصیحی، ۱۳۹۶: ۳۰۵). در اینجا امام خمینی(ره) حمله‌ی پیشدستانه را هم مورد تأیید قرار نمی‌دهند.

اخلاق ختم جنگ از دیدگاه امام خمینی

در بحث‌های مقدماتی مطرح شد که در این خصوص تنوع نگرش‌ها، وجود دارد ولی اصل بر رعایت حقوق افراد برکنار از جنگ، برقراری حکومت مردمی و پایان دادن به اشغالگری در کشور شکست خورده، مجازات مرتکبین جنایات و جرایم جنگی از هر دو سو می‌باشد. به نظر می‌رسد که در این حوزه‌ها هم دیدگاه امام خمینی(ره) به اندازه کافی شفاف باشد؛

اولاً امام خمینی(ره) بارها بر تنبیه متجاوز و ضرورت محاکمه صدام تأکید داشته‌اند: «امید است ملت قهرمان و مقاوم ما در این سال جدید بتواند... دست دشمنان اسلام و مملکت اسلامی خود، بخصوص امریکای جنایتکار و مزدور بی‌اراده‌اش صدام خونخوار را، که به ملت خود هم رحم نکرده... کوتاه کند و با محاکمه و تنبیه این جنایتکار قرن در صلح آرامش زندگی را با سربلندی و عدالت ادامه دهد...» (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۴؛ همین‌طور صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۳۲). مجازات متجاوز و عامل آغازگر جنگ از اصول بنیادین اخلاق جنگ است.

ثانیاً امام خمینی(ره) مکرراً اشاره و ابراز داشته‌اند که جنگ ایران عراق برای تصرف خاک دیگران یا تحت سلطه درآوردن مردم ممالک دیگر نبوده است: «ما الان برای دینمان داریم می‌جنگیم. برای خاک جنگ نمی‌کنیم. ما هر روزی که جنگ تمام شد، با روی گشاده، آغوش باز، همه مردم عراق را به آغوش می‌گیریم و جنگ دیگر نداریم با آنها...» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۳۸۵). در واقع به بیان امام خمینی(ره)، جنگ با متجاوزینی است که نماینده مردم خویش نیستند و بر آنها هم ظلم روا می‌دارند. لذا قرار نیست که بعد از جنگ، خاکی از کشوری تصرف شود یا کشوری به اشغال درآید.

ثالثاً امام خمینی(ره) بر این نظر بوده‌اند که در صورت پیروزی ایران در جنگ و سقوط صدام، مردم عراق در تعیین حکومت خویش آزاد خواهند بود: «... از اول جنگ به صراحت اعلام کرده‌ایم که ایران حتی به یک وجب از خاک عراق چشم ندوخته است نگفته است و مردم عراق در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب حکومت خود آزادند و چه بهتر آن که قبل از سقوط حاکمیت مطلق بعثی عراق به دست رزمندگان دلاور اسلام در جبهه‌های نبرد، حکومت دلخواه و مورد نظر خود را انتخاب کنند» (صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۳۰-۱). به عبارت دیگر از دیدگاه امام خمینی(ره)، ایران قصد تحمیل سیستم حکومتی خاصی بر مردم عراق - یعنی کشور متجاوز شکست خورده - نداشته و چنین امری را اخلاقی صحیح تلقی نمی‌کند و لذا اقدام به اشغال کشور و تداوم اشغال را هم قابل توجیه نمی‌داند.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که از دیدگاه اخلاقی امام خمینی(ره) خاتمه جنگ، خاتمه تجاوزگری است و متجاوزانی که به شهروندان خویش نیز رحم نکرده و با آنان نیز به صورت صحیحی رفتار نمی‌کند باید مجازات شده و کنار بروند و حکومتی مطلوب مردم کشور تأسیس و انتخاب شود. این جمله با نگرشی که در سنت جنگ عادلانه وجود دارد، سازگاری قابل ملاحظه‌ای نشان می‌دهد.

ارزیابی مقایسه‌ای مختصر سنت جنگ عادلانه و نگرش امام خمینی

در این مقاله بحث شد که اسلام نوعی سنت جنگ عادلانه در خود دارد که قابل قیاس با جنگ عادلانه مورد بحث در سه سنت غربی و شکل جدیدتر آن در قرن بیستم است. امام خمینی (ره) به‌عنوان متفکری اسلامی ضمن شرح و قبول آراء سنتی موجود در حوزه اسلامی، آراء و نظرات خویش را در تبیین و تشریح بیشتر این سنت طرح کرده‌اند. آنچه از مقایسه آرای امام خمینی (ره) و تئوری مزبور مستفاد می‌شود، این است که در اغلب جهات شباهت وجود دارد؛ به‌ویژه در امر مبادرت به جنگ و توجیهات آن و همچنین در زمینه‌ی ختم جنگ شباهت قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌شود. اما در حوزه‌های ارزیابی منافع و مضار ورود به جنگ (تناسب در آغاز جنگ)، شروع جنگ به شرط اطمینان از موفقیت/احتمال بالای پیروزی، تأثیر دوگانه جنگ (یعنی مقایسه مخاطرات جنگ و احتمال آسیب‌پذیری افراد بی‌گناه) تفاوت مشاهده می‌شود. تفاوت‌های اساسی در مواضع، از نگاه تک‌بعدی یعنی مادی/دنیوی تئوریسین‌های معاصر جنگ عادلانه و نگرش تکلیف‌مدار، دوی‌بعدی و آخرت‌اندیش امام خمینی (ره) ناشی می‌شود. به عبارت دیگر در حالی که تئوری‌های جنگ عادلانه نتیجه‌محور (consequentialist) بوده و نتیجه را هم دستاوردهای دنیوی محسوب می‌کنند، امام خمینی (ره) نیت‌مدار و به تعبیر امروزی در فلسفه اخلاق، فضیلت‌مدار به حساب می‌آیند و لذا برای نیت فرد و مبادرت او به فعل خیر ارزش قائل‌اند؛ حال این عمل به نتیجه قطعی برسد و یا در اثر وجود موانع و مشکلات عقیم بماند. دلیل تفاوت‌ها را هم، باید در نگرش بنیادین امام خمینی (ره) و سنت جنگ عادلانه جستجو کرد. موارد مشترک هم از منابع مختلفی حاصل شده‌اند که جای بحث تفصیلی از آنها در اینجا وجود ندارد و صرفاً اشاره می‌شود که سنت فکری مسیحی/دینی، دستاوردهای عقلی مشترک بشری و اصول بنیادین اخلاق - که کمابیش در همه سنت‌های اخلاقی انسانی مشترک محسوب می‌شوند - از منابع اصول مشابه در آرای امام خمینی (ره) و سنت جنگ عادلانه محسوب می‌شود. در عین حال نباید از یاد برد که بسیاری از شباهت‌ها لزوماً از اشتراک در بنیادهای فکری ناشی نمی‌شود و مثلاً امام خمینی (ره) تفسیری از دفاع ارائه می‌دهند که شامل مبارزه با ظالمین هم می‌شود و این دقیقاً با برداشت سنت جنگ عادلانه از دلیل عادلانه برای آغاز جنگ مطابقت ندارد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا خطوط کلی سنت‌های فکری موجود در عرصه اخلاق جنگ به اجمال طرح شود. سپس بر سنت وسیع‌تر و غنی‌تر جنگ عادلانه تمرکز شد و حوزه‌های مهم آن یعنی اخلاق مبادرت به جنگ، اخلاق حین جنگ و اخلاق خاتمه جنگ به اجمال بررسی گردید. در اولی اصولی چون علت عادلانه، نیت صحیح، تصمیم‌گیری توسط مقامات ذی‌صلاح، جنگ به‌مثابه آخرین حربه، احتمال موفقیت، اصل تناسب مطرح بود. در دومی از تفکیک و تمییز، تأثیر دوگانه جنگ و اصل تناسب یاد می‌شد و در سومی از رعایت حقوق انسانی، عدم تداوم اشغالگری و کمک به تأسیس حکومت مردمی و احترام به حق

تعیین سرنوشت آنان سخن به میان می‌آید. هنگامی که اصول و قواعد فوق با آرای امام خمینی(ره) مورد مقایسه قرار گرفتند، معلوم گردید که امام، ضمن قبول اصل دلیل عادلانه برای آغاز جنگ - البته ضمن ارائه تفسیری متفاوت از عادلانگی جنگ و دلایل آن - نیت صحیح، تصمیم مقامات ذیصلاح و جنگ به‌مثابه آخرین حربه را می‌پذیرند. اما به علت تأکید بر تکلیف‌محوری و نیت‌مداری، اصولی چون احتمال موفقیت و اصل تناسب سود و زیان را به گونه‌ای دیگر تفسیر و تحلیل می‌کنند. در قواعد جنگ هم امام خمینی(ره) بر تفکیک و تمییز تأکید بلیغی دارند و نظر مساعدی هم نسبت به تأثیر دوگانه جنگ ندارند. برداشت و تفسیر امام خمینی(ره) از اصل تناسب نیز متفاوت است. اما در خصوص قواعد ختم جنگ، شباهت و توازی قابل توجهی به چشم می‌خورد. گرچه در آنجا هم به نظر می‌رسد که شباهت‌ها در اصول، برخاسته از شباهت‌ها در محتوا و مفاد نیست. در قسمت انتهایی مقاله استدلال شد که شباهت‌های آرای امام و سنت جنگ عادلانه، از منابع کم و بیش مشترک آنها و اختلافاتشان از نگرش اخلاقی تکلیف‌محور و نیت‌مدار امام و برداشت نتیجه‌محور و سودانگار مفسران و شارحان سنت جنگ عادلانه ناشی شده است.

منابع

- استیری، اکرم (۱۳۹۲)، شرایط دفاع مشروع از دیدگاه امام خمینی(ره) و حقوق بین‌الملل، در: دفاع مشروع، بررسی فقهی مسئله‌ی ترور از دیدگاه امام خمینی(س)، قم: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۵۱۷-۵۳۴.
- جعفری، سید اصغر (۱۳۹۲)، دفاع مشروع در منظر امام خمینی(ره) و حقوق بین‌الملل، در: دفاع مشروع، بررسی فقهی مسئله‌ی ترور از دیدگاه امام خمینی(س)، قم: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۳۲۷-۳۴۶.
- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۳)، «امام خمینی و تکلیف‌گرایی در جنگ»، نگین ایران، دوره ۱، شماره ۴، بهار، ۵-۱۹.
- حاج اسماعیلی، محمدرضا؛ حبیب‌اللهی، مهدی (۱۳۹۱)، «بررسی نظری اخلاق جنگ در قرآن و حدیث»، فصلنامه‌ی علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی اخلاق، سال ۵، بهار ۱۳۹۱، شماره ۱۵: ۵۶-۳۱.
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۶)، «سرشت انسان و چرایی جنگ در مکتب امام خمینی(ره)»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۷، شماره ۲، تابستان، ۳۵۱-۳۶۸.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۸۲)، جهاد در اسلام، تهران: نشر نی.
- فصیحی، عبدالخالق (۱۳۹۲)، شرایط دفاع مشروع از دیدگاه امام و حقوق بین‌الملل، در: دفاع مشروع، بررسی فقهی مسئله‌ی ترور از دیدگاه امام خمینی(س)، قم: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۲۹۳-۳۱۰.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۹۲)، «تحلیلی از جایگاه جهاد و جنگ در اندیشه امام خمینی»، پژوهشنامه دفاع مقدس، سال دوم، شماره ۷، پاییز.

- محمودی، فاطمه (۱۳۹۲)، دفاع مشروع از دیدگاه امام خمینی و فقهای شیعه، در: دفاع مشروع، بررسی فقهی مسئله‌ی ترور از دیدگاه امام خمینی(س)، قم: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۱۵-۹۲.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۱)، رساله توضیح المسائل، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۲)، ترجمه تحریرالوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه‌ی امام: مجموعه آثار امام خمینی(س) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها) تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، مجلدات مختلف.
- واحدجوان، وحید (۱۳۹۰)، اخلاق جنگ و صلح در اسلام، تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- Bellamy, A. (2008), "The responsibilities of victory: *Jus Post Bellum and the Just War*", Review of International Studies, 34(4), 601-625.
- Carsten. Stahn (2008), "JUS POST BELLUM: MAPPING THE DISCIPLINE(S)" in Carsten Stahn, Jann Kleffner eds. *Jus post bellum: towards a Law of Transition from Conflict to Peace*, The Hague: T.M.C. Asser Press, 93-112
- Estiri, Akram (2013), "Requirements of legitimate defense according to International Law and Imam Khomeini", in: *Legitimate Defense: Jurisprudential elucidation of terrorism in the thought of Imam Khomeini* (collected papers), Qom: Uruj Institute for compilation and publications, 517-534. (In Persian)
- Estrella, Icel Averroes E. (2012), "On the Ethics of War", *KRITIKE: An Online Journal of Philosophy*; June, Vol. 6. Issue 1: 67-84.
- Fasihi, Abdolkhaleq (2013), "Requirements of legitimate defense according to International Law and Imam Khomeini", in: *Legitimate Defense: Jurisprudential elucidation of terrorism in the thought of Imam Khomeini* (collected papers), Qom: Uruj Institute for compilation and publications, 293- 310. (In Persian)
- Fiala, A. (2014), "Pacifism", in: *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, available online at: <https://plato.stanford.edu/entries/pacifism/>
- Haj Esmaili, Muhammad Reza, Habibollahi, Mahdi (2012), "Theoretical investigation of ethics of war in Quran and Hadith", *Pazhuheshnameh-ye Akhlaq Journal*, vol. 5, Spring, no. 15: 31-56. (In Persian)
- Jafari, Seyyed Asghar (2013), "Legitimate defense according the legal perspective of Imam Khomeini and International Law", in: *Legitimate Defense: Jurisprudential elucidation of terrorism in the thought of Imam Khomeini* (collected papers), Qom: Uruj Institute for compilation and publications, 327-346. (In Persian)
- Jamshidi, Muhammad Hossein (2004), "Imam Khomeini and the deontologism in war", in: *Negin-e Iran Journal*, vol. 4, spring. 5-19. (In Persian)
- Khomeini, R. (2006). *Sahifeye Nour (Book of light)*, various vols. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Khomeini, R. (2012), *Tawzih-ul-masail (Islamic Laws)*, Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Khomeini, R. (2013), *Translation of Tahrir-ul-wasilah*, Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Khosravi, Ali Reza (2017), "The human nature and etiology of war according to Imam Khomeini", *Faslnameh-ye Siyasat Journal*, vol. 42, summer, 359-368.

- Lazar, Seth (2016), 'War', *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (summer 2016 Edition), edited by Edward N. Zalta, available online at: <http://plato.stanford.edu/archives/sum2016/entries/war/>, §4.5
- Lazar, Seth and Frowe, Helen (eds.) (2017), *The Oxford Handbook of Ethics of War*, available online at: <http://www.sethlazar.xyz/s/Handbook-introduction-offprint.pdf>
- Legenhausen, Muhammad (2008), Islam and Just War Theory, in: *Journal of Religious Thought: A Quarterly of Shiraz University*, No.27. Spring. 3-34.
- Mahmudi, Fatemeh (2013), "Legitimate defense according to Imam Khomeini and Shiite jurists", in: *Legitimate Defense: Jurisprudential elucidation of terrorism in the thought of Imam Khomeini* (collected papers), Qom: Uruj Institute for compilation and publications, 91-115. (In Persian)
- O'Meara, Richard M. (2011), "Jus Post Bellum: Reflections on the Right Way to End a War", *Journal on Terrorism and Security Analysis*, spring 2011, available online at: <http://satsa.syr.edu/2011/04/25/jus-post-bellum-reflections-on-the-right-way-to-end-a-war-by-richard-omeara/>
- Orend, Brian (2014), "War", *Stanford Encyclopedia of Philosophy*, First published Fri Feb 4, 2000; substantive revision Thu Jul 28, 2005, available online at: <http://web.cs.ucdavis.edu/~rogaway/classes/188/materials/war.pdf>
- Qasemi, Muhammad Ali (2013), "Imam Khomeini on war and Jihad", in: *Pazhuheshnameh-ye defaa-e Moqaddas* (Journal of Holy Defense), vol. 2, no. 7, autumn. (In Persian)
- Salehi Najafabadi, Nematollah (2013), *Jihad in Islam*, Tehran: Ney Publications. (In Persian)
- Solomon, N.(2005), "Judaism and the ethics of war", in: *International Review of Red Cross*, Vol. 87 No. 858: 295-309.
- Vahed Javan, Vahid (2011), *Ethics of war and peace in Islam*, Tehran: Imam Khomeini Education and Research Institute Publications. (In Persian)
- Walzer, M. (2004), "Just and unjust occupations", *Dissent*. 51. 61-63.
- Walzer, M. (2006), *Just and Unjust Wars: A Moral Argument with Historical Illustrations*, 4th edition, New York: Basic Books.
- Williams Jr. Robert E. and Caldwell, Dan (2006), "Jus Post Bellum: Just War Theory and the Principles of Just Peace", *International Studies Perspectives* 7, 309–320.